



محمد حسین تونی
حکیم و عارف شریعتمدار

فیروزه صادقزاده دربان



محمدحسین تونی، معروف به فاضل تونی، یکی از اندیشمندان و بزرگان حکمت و عرفان و مدرّسان علوم معقول در عصر حاضر بوده است. وی در ۱۳۹۸ق در تون (فردوس) دیده به جهان گشود و در ایام کودکی در زادگاه خود به فراگیری مقدمات ادبیات عرب نزد ملامحمدباقر تونی و آقامیرزا حسین پرداخت. سپس در مشهد و اصفهان به تکمیل تحصیلات خود در حوزه فقه، اصول فقه، و فلسفه مبادرت کرد و در تهران دانش خود را در زمینه حکمت و عرفان تکمیل نمود. اساتید او در مشهد ادیب نیشابوری در درس مطول؛ آقامیرزا عبدالرحمن مدرس شیرازی در هیئت، نجوم، خلاصه الحساب شیخ بهایی و تحریر اقلیدس؛ حجت‌الاسلام بجنوردی در فقه و اصول؛ و شیخ اسماعیل قاینی در معالم بودند.

در اصفهان از مجالس درس فقه سید محمدحسین خاتون‌آبادی، آخوند فشارکی و آقا سیدعلی نجف آبادی و نیز اصول شیخ محمدگلپایگانی بهره برد و منظومه سبزواری و بخش وافر از مطالب شفا و اسفار را از جهانگیرخان قشقایی فراگرفت. مدت اقامت او در اصفهان یازده سال به طول انجامید. وی علاوه بر تحصیل، به تدریس، ریاضت، و تهذیب نفس نیز پرداخت.

تونی در تهران از جلسه درس آقامیرزا هاشم اشکوری که مفتاح الغیب، فصوص، و تمهیدالتواعد را در مدرسه سپهسالار شرح می‌داد، بهره‌ها برد و پس از اندک زمانی به کلی رحل اقامت افکند و مقیم تهران شد. پس از سال‌ها فراگیری دانش و معرفت در سال ۱۳۳۳ در دانشسرای عالی تهران به تدریس مشغول شد. پس از سه سال تدریس در دانشسرا، در سال ۱۳۱۵ از سوی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به مقام استادی برگزیده گردید و به تدریس زبان و ادبیات عرب و فلسفه قدیم پرداخت. او از سوی بزرگانی همچون سیدحسن اصفهانی و سیدابوالقاسم کاشی اجازه تدریس در حوزه علوم معقول داشت و در دانشکده معقول و منقول (الاهیات و معارف اسلامی کنونی) از بدو تأسیس شروع به تدریس کرد.

تونی پس از عمری تعلیم و تعلم، سرانجام در سال ۱۳۳۹ دار فانی را وداع می‌گوید و در شیخان قم به خاک سپرده می‌شود. او شاگردان بسیاری تربیت کرد که از آن میان می‌توان به آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد.

آثار

آثار مکتوب فاضل تونی بسیار اندک و محدود به تعدادی دست‌نوشته و نیز جزوه‌هایی است که برخی دانشجویان او مرقوم کرده‌اند. مهم‌ترین آثار چاپ شده وی عبارتند از:

۱. جزوه صرف در سال ۱۳۱۵؛ ۲. تعلیقه بر شرح فصوص الحکم در سال ۱۳۱۶؛ ۳. الاهیات در سال ۱۳۳۳؛ ۴. حکمت قدیم؛ ۵. منطق؛ ۶. منتخب قرآن و نهج البلاغه؛ ۷. قسمت نحو کتاب‌های صرف و نحو و قرائت که کتاب‌های درسی سال‌های اول، دوم، و سوم دبیرستان‌ها بوده‌اند؛ ۸. منتخب کلیله و دمنه عربی و وفيات الاعیان ابن‌خلکان با شرح و ایضاح لغات مشکل آن.



با وجود اهتمام بسیار در فراگیری حکمت و معرفت و تلمذ نزد بزرگان و
علمای بسیار که از او اندیشمندی توانا و حکیمی گرانقدر ساخته بود،
نمی‌توان وی را صاحب اندیشه‌ای خاص و منحصر به فرد
در حوزه علوم عقلی دانست، بلکه همان‌طور که از آثارش
هویداست، او را می‌توانیم شارح، مفسر و استاد متبحر
حکمت و فلسفه به‌شمار آوریم.

آرا و اندیشه‌های فاضل تونی

با وجود اهتمام بسیار در فراگیری حکمت و معرفت و تلمذ نزد بزرگان و علمای بسیار که از او اندیشمندی توانا و حکیمی گرانقدر ساخته بود، نمی‌توان وی را صاحب اندیشه‌ای خاص و منحصر به فرد در حوزه علوم عقلی دانست، بلکه همان‌طور که از آثارش هویداست، او را می‌توانیم شارح، مفسر و استاد متبحر حکمت و فلسفه به‌شمار آوریم. در سنخ‌شناسی طالبان حق و حقیقت، او چهار دسته را معرفی می‌کند: حکیم، متکلم، صوفی، و عارف. حکیم یعنی آنکه بر مبنای استدلال و برهان در پی دریافت و کشف حقایق عالم وجود است و متکلم کسی است که می‌کوشد تا این براهین و استدلال‌ها را با شرع و اصول شریعت منطبق کند. بر این اساس می‌توان گفت که عقل و شرع با هم تغایری نخواهند داشت؛ درست همان‌طور که خود اذعان کرده است. با این حال نمی‌توان حکم کرد که هر چه متکلم دریافت، مطابق عقل است و هر چه حکیم بدان رأی داد تحت لوای شریعت قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که آنچه او عقل می‌خواند، موجودی مدرک کلیات است، نه جزئیات.

حکم تونی در باب عارف و صوفی همچون حکم حکیم و متکلم است. صوفی راه تهذیب نفس و ریاضت را برای نیل به حق و حقیقت برمی‌گزیند البته با ملاحظه شریعت، لکن عارف بدون پروای شریعت طی طریق می‌کند. البته باید دید صدور چنین احکامی از سوی تونی به چه دلیل یا دلایلی بازمی‌گردد. آیا آنچه حکیم از حقایق هستی دریافت می‌کند با آنچه فیلسوف بدان می‌رسد یکی است؟ آیا راه صوفی و عارف به یک منزل ختم می‌شود یا اینکه هر کدام به مقتضای شیوه سلوک خود بخشی از حقیقت را دریافت می‌کنند؟ در واقع آنچه اهمیت دارد طریق عقل و شرع است و چگونگی نیل آنها به حقایق عالم.

با وجود این که تونی میان عقل و شرع ارتباط ذاتی ظریفی قائل است، نمی‌توانیم حکم کنیم که یافته‌های حکیم و متکلم با یکدیگر مطابقت، مگر اینکه هر یک در طی طریق خود از مرزهای حقیقی خویش تجاوز نکنند تا قاعده «ما حکم به العقل حکم به الشرع» درست آید. این مسأله که وی شریعتمدار بودن را شرط لازم برای نیل به حق و حقیقت می‌داند یا نه، پرسش دیگری است که پاسخ به آن نیازمند تحلیل اندیشه‌های او است. به هر تقدیر آنچه مهم است طریقی است که تونی برای نیل به حق و حقیقت برمی‌شمرد: حکمت، عرفان و شریعت توأم با هر یک.

در اندیشه او حکمت و فلسفه دو مصداق از یک مفهوم‌اند. او حکمت و فلسفه را دارای معنای عامی می‌داند که تمام علوم را دربرمی‌گیرد. در دو اثر خود حکمت قدیم که به طبیعیات پرداخته و الاهیات - که آخرین اثر او است - که در باب حکمت الهی یعنی احوال موجود مطلق از آن جهت که موجود مطلق است بحث کرده، کمتر با رأی خاص او مواجهیم. مگر اینکه بخواهیم محتویات کتب او را به منزله آرای او برشمریم که در حقیقت عصاره‌ای است از دانش و معرفت حکمای پیشین. لیکن آنچه اهمیت دارد مکتب فکری و فلسفی اوست. بی‌تردید، حکمت متعالیه یا مکتب صدرایی جولانگاه اندیشه و تأملات فلسفی اوست که در تحلیل‌ها و توضیحات وی می‌توان دید. در حوزه عرفان نظری نیز پیرو مکتب محیی‌الدین است. او ابن عربی را بسیار ستوده و در مواردی سعی کرده تا



در اندیشه او حکمت و فلسفه دو مصداق از یک مفهوم اند.
او حکمت و فلسفه را دارای معنای عامی می‌داند که تمام علوم را در بر می‌گیرد.

آنچه از نظری وی در فهم بسیاری از مباحث عرفان نظری دخیل است،
خلط نکردن دو معنای وجود است.

اشکالاتی را که بر او گرفته‌اند شرح دهد و او را از نسبت کفر و الحاد مبرا گرداند.
به نظر تونی مخالفان ابن عربی در ظاهر کلام او مانده و به معنا راه نیافته‌اند. بنابراین بر آنچه خود از کلام او
دریافته‌اند ایراد گرفته‌اند، نه آرای محیی‌الدین.

شرحی که تونی در کتاب تعلیقه بر شرح فصوص الحکم خود - که به اشتباه تعلیقه بر فصوص نام گرفته - نوشته
است، نشان از احاطه او بر اثر منحصر به فرد محیی‌الدین و تبحر وی در زمینه عرفان نظری دارد.
این اثر در واقع تعلیقه‌ای است بر مقدمه قیصری بر شرح فصوص الحکم، که فاضل تونی سعی کرده تا در آن
برخی عبارات مشکل مقدمه قیصری را شرح و توضیح مختصری دهد تا فهم آن بر خوانندگان و پژوهشگران حوزه
عرفان نظری آسان گردد.

آنچه از نظر وی در فهم بسیاری از مباحث عرفان نظری دخیل است، خلط نکردن دو معنای وجود است؛ مفهوم
وجود که دارای مراتب است و مصداق وجود که فاقد مراتب بلکه بحت و بسیط است.
از دید وی، هستی کتاب تکوین الهی است که کلمات وجودیه بر آن نقش بسته‌اند. در واقع عالم، صورت حقیقت
انسانیه یعنی صادر اول یا همان حقیقت محمدیه (ص) است که صاحب تمامی مراتب وجود است.

در این کتاب که به منزله رساله دکتری وی نیز بوده، فاضل تونی دریافت‌های خود را از مباحث و مسائل عرفان
نظری به تصویر کشیده است. استفاده از آیات و روایات در این اثر برای صحت گذاشتن بر دعاوی خود، اثر دیگر
وی، آیات منتخب قرآن و نهج البلاغه را یادآور می‌شود که او ذیل نه عنوان برخی آیات قرآن کریم را دسته‌بندی
موضوعی کرده است. در حقیقت او عقل و نقل را در کنار هم به کار می‌برد که شاید حاکی از این اندیشه باشد که
نقل - آیات و روایات - راه‌گشایان عقل و محافظان آن از سقوط به بیراهه است.

به هر تقدیر فاضل تونی را یکی از بزرگان عرصه حکمت و عرفان در عصر حاضر باید دانست. چنان که آیت‌الله
بروجردی او را «عماد العلماء المتألهین» خوانده و ادیب نیشابوری به وی لقب «فاضل» را عطا کرده است.
تونی خود اشاره می‌کند که تمام عمر خود را صرف تحصیل و تعلیم و تدریس کرده است. علاوه بر حکمت و
عرفان اسلامی، او با اندیشه یونانیان و حکمت و فلسفه یونان باستان نیز آشنایی داشته است، چنانکه در کتاب حکمت
قدیم خود از آرای آنان سخن می‌گوید.

شایان ذکر است که او چون به سختی می‌نوشته و از خطی ابتدایی برخوردار بوده است، تعداد آثار مکتوب او بسیار
اندک بوده و حتی برخی از آنها جزوه‌های درسی دانشجویان وی است که با تأیید تونی به صورت کتاب درآمده‌اند.
البته او علی‌رغم ضعف در خط و نوشتن از کلامی بسیار شیوا و قوی برخوردار بوده و حتی با هنرمندی خویش مطالب
و مباحث پیچیده فلسفی و عرفانی را با زبانی ساده بیان می‌کرده است.
با توجه به آرای او در باب حکمت و عرفان، عقل و شرع، و نیز آنچه در باب حیات زاهدانه او از سوی شاگردان و
نزدیکان وی به ما رسیده است، می‌توانیم او را حکیم و عارفی شریعتمدار و اخلاق‌گرا بدانیم که عمری را در طلب
یافت و دریافت حق و حقیقت سپری کرده است.

